



راهکارهای فاشیستی، مروری بر مهمترین رویدادهای ایران، شاهکار فرمیسم در ایران

شکست تئوری اصلاح‌طلبی و کاربست پراتیک انقلابی

این روزها از دامنه اعتراضات کارگری و شورش‌های مردمی بگوش میرسد، نشان از این واقعیت دارد که مرکز ثقل هرگونه تحول واقعی سیاسی و اجتماعی در ایران نه صندوق رأی و مجلس و کاخ ریاست‌جمهوری، که دانشگاه‌ها و خیابانها و کارخانه‌هاست.

بقیه در صفحه ۲

بنای فرتوت جمهوری اسلامی که تاچندی پیش بزحمت بندکشی معماران اصلاح‌طلبی مستحکم و استوار بنظر میرسید، بار دیگر در تمامی شالوده‌هایش شکاف برداشته و با موج تازه شورشها و تنش‌های اجتماعی سخت بلرزه درآمده است. اخبار و گزارشاتی که در

روزنامه حیات نو مورخ ۳۰ مهرماه، با سرتیتر درشت به نقل از وزیر کار جمهوری اسلامی می‌نویسد: "کارگران افغانی تا ساختمان وزارت کار پیشروی کرده‌اند!"

در ادامه این مطلب و پیرامون راهکارهای جدید دولت خاتمی برای مقابله با معضل بیکاری همچنین آمده است:

یکی از نگرانی‌های موجود، فعالیت کارگران خارجی در ایران است. بسیاری از فرصت‌های شغلی توسط کارگران خارجی اشغال شده است... با جلوگیری از اشتغال کارگران خارجی میتوان بخشی از مشکلات کنونی را مرتفع کرد.

این سخنان شوونیستی و ضد کارگری را حسین کمالی وزیر کار و امور اجتماعی دولت "اصلاح طلب" خاتمی برزبان رانده است. دولتی که بنابه ماهیت شبه فاشیستی‌اش از یکسو مطالبات برحق کارگران و زحمتکشان ایران را با گلوله جواب میدهد (نگاه کنید به: مروری بر رویدادهای ایران) و از سوی دیگر با تکرار شعارهای جریان‌ات تئونازی و براهینی که بر زبان ژان ماری لوپن‌ها و هایدرا جاری است، می‌کوشد علل واقعی پدیده بیکاری را که ریشه در تضادهای جامعه سرمایه‌داری و تناقضات حاکمیت ارتجاع دارد، از دید توده‌های مردم پنهان سازد و کارگران افغانی را - که سالیان سال تحت شدیدترین ستم و استثمار قرار داشته و همواره آماج نخستین موج بیکارسازی‌ها واقع شده‌اند - مسبب رشد بیکاری و مشکلات اقتصادی جامعه جلوه دهد. بهمین خاطر است که وزیر کار و امور اجتماعی دولت خاتمی در قبال همه غارتگری‌ها و چپاول ثروتهای جامعه توسط همپالگی‌هایش سکوت اختیار می‌کند، از نقش و عملکرد مخرب پنیادها که بزعم رئیس انجمن حسابداران در بخش دولتی تعریف میشوند ولی در عمل از نظر کنترلی، نظارتی، بودجه و مالیات از شمول قوانین دولتی خارج میشوند (آفتاب - ۲۵

بقیه در صفحه ۲

جنایات دولت صهیونیستی اسرائیل را محکوم می‌کنیم!

بین اسرائیل و فلسطین بوقوع پیوسته است و اگر این روند ادامه پیدا می‌کند، هرگز این جنایتها اتفاق نمی‌افتاد. آنچه از پرده حقیقت بدور افتاده است، ماهیت این درگیری و عوامل واقعی بوجود آمدن آن است.

واقعیت این است که این جنایات نه از مناطقی که بر اساس قرارداد های اسرائیل و کابینه یاسر عرفات به عنوان مناطق فلسطینی شناخته می‌شوند، بلکه از شرق اورشلیم آغاز شد.

بقیه در صفحه ۲

تصویر سربازان اسرائیلی که سنگ‌های نوجوانان فلسطینی را با رگبار گلوله‌های سربی پاسخ می‌دهند، بشریت متمدن را بشدت متاثر کرده است. انسانهای آزاده در هر گوشه دنیا با دیدن صحنه‌های جنایات نیروهای اسرائیلی خواستار دخالت نیروهای بین‌المللی و پایان دادن به قتل و کشتار مردم بی دفاع فلسطین می‌شوند. اما سیاست‌بازان و جنگ‌افروزان امپریالیست که هنوز گرد و غبار بمباران یوگسلاوی از چهره‌شان پاک نشده یا در مورد این جنایات سکوت می‌کنند و یا اینگونه وانمود می‌کنند که این جنایتها به دلیل متوقف ماندن روند صلح

گرامی باد خاطره رفیق فدائی ناصر اسدی!

صبح روز یکشنبه ۸ اکتبر قلب پر از مهر و اندوه رفیق ناصر اسدی از طپش بازایستاد و در سن ۵۶ سالگی، دور از دیار و خانواده و مردمی که به آنها عشق می‌ورزید، چشم از جهان فرو بست.

رفیق ناصر در یک خانواده کارگری متولد شد و فعالیت سیاسی خود را از دهه چهل آغاز کرد. او پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی، بعنوان معلم مشغول بکار شد و کوشش خود را صرف آموزش و رشد فکری و سیاسی

بقیه در صفحه ۲

آخرین اطلاعیه‌های سازمان را از آدرس اینترنت دریافت کنید!

www.fedayi.org

کار، مسکن، آزادی، جمهوری شورایی!

مروری بر مهمترین رویدادهای ایران

حرکت با شکوه کارگران شرکت ملی حفاری اهواز

در صدر اخبار مبارزاتی روزهای اخیر حرکت اعتراضی کارگران شرکت حفاری اهواز قرار داشت که از جهات مختلفی حائز اهمیت است. نخست بدلیل آنکه کارگران این شرکت علاوه بر طرح مطالبات مشخص و فوری خود، ابعاد ورشکستگی صندوقهای بازنشستگی را بعنوان یک معضل بزرگ اجتماعی در برابر افکار عمومی قرار دادند. آنان همچنین با مقاومت در برابر سیاست واگذاری این شرکت به صندوق بازنشستگی وزارت نفت، قلب اصلاحات جاری را نشانه رفته و آشکارا علیه سیاستهای خصوصی سازی دولت خاتمی موضع گرفتند.

در حقیقت کارگران شرکت حفاری اهواز بخوبی می دانند که حکومت اسلامی با سوء مدیریت خود در گذشته مسئول اصلی خالی شدن صندوق بازنشستگی وزارت نفت است. اما این تمام مطلب نیست. آنان همچنین دریافته اند که دولت خاتمی نیز بعوض رسیدگی به این امر با معاف کردن سرمایه داران از پرداخت مالیات، به بحران صندوقهای بازنشستگی ابعاد بی سابقه ای بخشیده و برای آنکه بتواند در ادامه سیاستهای اقتصادی خود سهام شرکت حفاری اهواز را به بازار بورس و به سرمایه داری خصوصی واگذار کند، به بهانه جلوگیری از ورشکستگی کامل صندوق بازنشستگی، طرح واگذاری سهام این شرکت به صندوق بازنشستگی وزارت نفت را علم کرده و از اینطریق هزاران کارگر شاغل را در معرض خطر بیکاری و بی حقوقی مطلق قرار داده است.

در اعتراض به چنین سیاستهایی است که از روز شنبه ۲۳ مهرماه، کارگران شرکت حفاری اهواز نخست در نمازخانه شرکت دست به تحصن زدند و خواستار جلوگیری از واگذاری سهام این شرکت به صندوق بازنشستگی وزارت نفت شدند. روز یکشنبه ۲۴ مهر در برابر بی اعتنائی مسئولین وزارت نفت، بر دامنه اعتراضات افزوده شد و شمار متحصنین در شرکت از مرز ۸۰۰ نفر تجاوز کرد. در همین روز انجمن اسلامی شرکت، هراسان از گسترش این اعتراضات و حمایتی که در سایر بخشهای صنعت نفت برانگیخته بود، طی نامه ای خواستار لغو بخشنامه دولت و اعزام مقامات دولتی به اهواز گردید. با اعزام یکی از مسئولین وزارت نفت، دولت خاتمی مطابق معمول تلاش کرد که کارگران را از ادامه حرکت اعتراضی خود منصرف کند و وعده داد که به خواستهای آنان رسیدگی خواهد کرد. پس از گذشت دو روز و عدم پاسخ روشن به کارگران، صبح روز چهارشنبه ۲۷ مهر نزدیک به ۱۰۰۰ کارگر مجدداً در شرکت متحصن شدند و بعد از ظهر همان روز برای رسیدن به مطالبات شان سه بار پیاپی اقدام به بستن جاده اهواز - مسجد سلیمان کردند. تا لحظه تهیه این خبر، گفته میشود که کارگران ۷۲ ساعت به مقامات دولتی فرصت داده اند تا طرح واگذاری سهام شرکت ملی حفاری به بخش خصوصی را لغو کنند.

تظاهرات کارگران چیت سازی در بهشهر

همزمان با کارگران شرکت حفاری در اهواز، کارگران

چیت سازی بهشهر نیز که بمدت ۱۰ ماه دستمزد خود را دریافت نکرده اند، دست به تظاهرات زدند و از ۲۳ مهرماه بمدت سه روز صدای اعتراض شان در شهر شنیده میشد. پاسخ دولت خاتمی به فقر و درماندگی هزاران انسان کارگر و زحمتکش بهشهر، اعزام نیروهای انتظامی و سرکوبگر از سایر نقاط بوده است.

تحصن و راهبندل توسط کارگران سیمین اصفهان

از سوی دیگر در اصفهان نیز صداهای تن از کارگران رستندگی و بافندگی کارخانه سیمین در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود دست به تحصن زده و روز سه شنبه ۲۶ مهر اقدام به بستن جاده ها کردند. همزمان با انتشار این خبر، اعلام شد که کارفرما و مدیران این شرکت غیب شان زده و اکنون کارگران پس از یکسال کاری که در ازای آن دستمزدی دریافت نکرده اند، با خطر بیکاری هم مواجه اند. چنین است وضعیت حال و سرنوشت آتی کارگران در چارچوب اصلاحات حکومتی!

پس از حوادث خرم آباد و عجب شیر، سلسله رویدادهای اهواز و بهشهر و اصفهان و فردوسیة رفسنجان و فردیس و . . . نشان میدهد که دوران شعارهای مبتنی بر "آرامش فعال" بسر رسیده و توده های کارگر و زحمتکش در برابر فعالیت غارتگرانه سرمایه داران، حاضر به آرامش مرگبار نیستند. "عبور" از تئوری اصلاح طلبی و کاربست پراتیک انقلابی نزد توده ها آغاز شده است.

راهکارهای فاشیستی، شاهکار رفرمیسم در ایران

مهر)، سخنی بیمان نمی آورد، از اینکه هیچکس از میزان درآمدهای شرکتهای انتفاعی بنیادها اطلاعی ندارد، هیچ نوع تکلیف خاصی در ماده ۴ قانون محاسبات عمومی برای فعالیتهای اقتصادی بنیادها وجود ندارد و مکانیزم کنترلی در مورد درآمدهای آنها پیش بینی نشده (همانجا) حرفی نمی زند، اثرات سیاست خصوصی سازی ها را بر رشد نرخ بیکاری مسکوت می گذارد، بر ابعاد خیره کننده فساد و رشوه خواری در موسسات دولتی و خصوصی که کارفرمایان و مدیرعاملین آنها همانند کارخانه ارج میلیاردها تومان دسترنج کارگران را بالا می کشند و از حساب توده های محروم برای منشی های خود نیز آپارتمانهای مجلل در تهران و ویلاهای بیلاقی در شمال خریداری می کنند، چشم فرو می بندد و سرانجام به سراغ

کارگران و زحمتکشان افغانی ساکن ایران میرود و یقه آنانی را که با پذیرش دشوارترین شرایط شغلی هنوز به خیل بیکاران نیوسته اند، میکیرد که چرا کار می کنید؟! چرا شرافتمندانه زندگی می کنید!؟

البته نباید شگفت زده شد که چرا حسین کمالی بعوض تکرار نغمه های رفرمیستی، بار دیگر اینچنین عریده های فاشیستی سر میدهد و خواستار اخراج کارگران افغانی تبار میشود.

ژرفای بحران اقتصادی و اجتماعی ایران و شدت تلاطمات سیاسی امروز بحدی است که همه بازیگران "سناریوی اصلاح طلبی" ناچارند نقاب از چهره کریه خود بردارند و آنگونه که واقعا هستند، بر صحنه ظاهر شوند. نظیر شخص رئیس جمهور که ناتوان از حل مسائل سیاسی جامعه، در برابر

دانشجویانی که از ستم و تعدی باندهای سرکوبگر بسیجی به ستوه آمده اند، مدعی میگردد که وجود نیروهای بسیج در دانشگاه ها منشاء خیر و برکت است (حیات نو - ۲۷ مهر)،

براستی که برای حکومت شبه فاشیستی جمهوری اسلامی که شاهد است چگونه توده های کارگر تاب تحمل وضعیت موجود را از دست داده اند و چگونه در تدارک برچیدن بساط ننگین آن هستند، باید هر باند جنایتکار بسیج و سپاه منشاء خیر و برکت محسوب شود و هر کارگر ایرانی و افغانی منشاء "شر و بلا" اجتماعی! زیرا که امروزه مضمون شعار هر کارگری که به خیابان می آید، چنین است:

رفرمیست ننگت باد

فاشیست مرگت باد

جنايات دولت صهيونيستي اسرائيل را محكوم مي كنيم!

گرامي باد خاطره رفيق فدائي ناصر اسدي!

بقیه از صفحه اول

کودکان لرستان کرد. در اوایل دهه پنجاه به سازمان پیوست و در جریان انشعاب بزرگ از مواضع اقلیت بدفاع برخاست. در تابستان سال ۱۳۶۰ رفیق ناصر در اراک دستگیر شد و مدت ۳ سال به "جرم" دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان ایران در زندانهای رژیم مورد شکنجه و آزار وحشیانه قرار گرفت. در سیاهچالهای حکومت اسلامی بود که رفیق به بیماری قلبی دچار شد و پس از آزادی از زندان نیز باوجود تلاشی که برای معالجه وی صورت گرفت، از عمق آثار جنایتی که جمهوری اسلامی بر او و یارانش روا داشته بود، کاسته نشد. حدود شش سال پیش رفیق ناصر ناچار به فرار از جهنم جمهوری اسلامی شد و راهی دیار غربت گردید و برغم بیماری شدید دوشادوش رفقایش و در کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) به مبارزه با جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری ادامه داد. رفقای این کانون در اطلاعیه خود راجع به روحیه مبارزاتی رفیق ناصر از جمله می نویسند: او علیرغم قلب بیمارش همچنان از روحیه بالای مبارزاتی برخوردار بود و بهمین خاطر رفقای واحد هلند نشست های سیاسی خود را در چهار ماه گذشته در بیمارستان و با حضور او برگزار می کردند. قلب ناصر این رفیق مبارز و همزخم ما و یار توده های ستمدیدی ایران و جهان در بیمارستان . . . از تپیدن بازایستاد و ما را در غم و اندوه فراوان فرو برد. یاد و راهش گرامی باد!

فلسطین اگرچه ناپایدار، غیردموکراتیک و غیراصولی است، اما در روند خود پوپولیسم ارتجاعی مذهبی را از صحنه سیاسی خارج کرده است. آنچه که امروز اتفاق می افتد اگرچه صحت این ارزیابی را تأیید می کند، اما سؤال دیگری را در مقابل نیروهای چپ قرار می دهد که خود را انترناسیونالیسم پایبند دانسته و داعیه مبارزه برای حکومتی لائیک و غیرمذهبی را دارند. آیا باید از راه حل بورژوازی برای به عقب راندن جریانات اسلامی پشتیبانی کرد و یا باید در مقابله با رشد بورژوازی و تحمیل خواسته های امپریالیسم به مردم منطقه با جریانات اسلام گرا همساز شد؟

سازمان ما پاسخ صریح خود را به این سؤال داده است. ما برای صلح واقعی و پایدار مبارزه می کنیم. صلحی که نه نتیجه مذاکرات بورژوازی اسرائیل و فلسطین بلکه نتیجه مبارزات مشترک کارگران و زحمتکشان منطقه اعم از یهودی و مسیحی و مسلمان و لامذهب خواهد بود.

مبارزه ای که در نهایت به نابودی دولت صهیونیستی اسرائیل و ایجاد حکومتی لائیک، غیرمذهبی، غیرقومی و غیرژنژادی می انجامد که در آن همه مردم بدون از تعلقات مذهبی و یا ملی و قومی از حقوق شهروندی یکسان برخوردار هستند.

این مبارزه قطعاً در مقابل جریانات فاشیستی اسلامی ساکت نخواهد نشست. روشن است که برای نابودی حکومت مذهبی صهیونیستی اسرائیل خلق فلسطین علاوه بر کارگران و زحمتکشان صلح طلب یهودی ساکن اسرائیل به

حمایت کارگران و زحمتکشان کشورهای همجوار که وجود زرادخانه های هسته ای اسرائیل را تهدیدی علیه زندگی و آرامش خود می دانند، نیز نیازمند است.

شهری که نیروهای راست و مذهبی اسرائیل مایل اند به عنوان پایتخت حکومت صهیونیستی اسرائیل به رسمیت شناخته شود. شهری که مشمول قرارداد صلح نیست و نیروهای اسرائیلی از حزب دست راستی لیکهود گرفته تا حزب اسرائیل واحد (حزب کار سابق) سعی دارند به عنوان شهری کاملاً یهودی معرفی شود. لازمه اینکار بیرون ریختن فلسطینیان، مسلمانان، مسیحیان و سایر غیریهودیان از این شهر است. این سیاست بطور پیگیر و بموازات مذاکرات «صلح» پیش برده شده است و دولت باراک هم علی رغم ظاهر صلح جویش، با پیش برد سیاست اسکان یهودیان در منطقه و ممنوعیت ساختمان سازی و مهاجرت فلسطینیان به اورشلیم و نیز محدودیت امکانات رفاهی و حتی آب رسانی در این رابطه نقش مستقیم داشته است.

دولت اسرائیل که ماهیتاً یک حکومت قومی مذهبی است برای رسیدن به ارض موعود از هیچ جنایتی علیه فلسطینیان و سایر خلق های ساکن منطقه فروگزاری نکرده و نمی کند. دیروز تل زعتر بود، امروز خان یونس و اگر جلوی جنايات اسرائيل گرفته نشود، فردا و فرداهای دیگر در مناطق دیگری خون انسانهای بیگناه به زمین ریخته خواهد شد.

وجود صهیونیسم در منطقه و قناره بندی آشکار دولت اسرائیل فاکتور مخرب دیگری را نیز در معادلات سیاسی منطقه خاور میانه تقویت می کند. اسلامگرایی، حضور آشکار گرایشات پوپولیستی مذهبی که از شکست مذاکرات بورژوازی فلسطین و حکومت صهیونیستی اسرائیل برای حمله به کلیمیان و فروختن آتش جنگهای مذهبی استفاده می کنند. به مجرد آغاز حمله صهیونیستها به فلسطینیان ساکن مناطق اشغالی، نیروهای افراطی اسلام گرا مانند حماس و حزب اله با شعار «مرگ بر یهودیان» به صحنه آمدند و اماکن تجمع کلیمیان را به آتش کشیدند.

در کنگره سازمان روی این واقعیت تأکید شد که پروسه صلح بین اسرائیل و بورژوازی

آدرسها و شماره فاکس تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست:

kar-Co

Box 10063

S-400 70 Göteborg/Sweden

شماره فاکس روابط عمومی

+ (46) 317792571

آدرس پست الکترونیکی

webmaster@fedayi.org

آدرس غرفه ما در اینترنت

www.fedayi.org

Jahan-e
communisti

No: 2, 30 Oktober 2000

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم